

داستان های قربانیان قاچاق و تجاوز (قسمت اول)



عکس: ah Lun

خانه امن: شهادت قربانیانی که در این گزارش آمده است، صرفاً گویای گوشه هایی از قاچاق هایی می باشد که اتفاق می افتند و همه اشکال قاچاق را بیان نمی کنند. هرکدام از این سرگذشت ها می تواند در هر جای دنیا به وقوع بپیوندد. آنها، اشکال بسیاری از قاچاق را که در طیف وسیع مکانی روی می دهند را به تصویر می کشند. نام بسیاری از قربانیان در این گزارش تغییر داده شده است. علی رغم اینکه اکثر تصاویر بی عنوانی که در گزارش درج شده است تصاویر واقعی قربانیان قاچاق نیستند، اما آنها بیانگر حالات بی شماری از بهره برداری انسانی هستند که در بردارنده نوع قاچاق و تنوع فرهنگی و متفاوت قربانیان است.

مکزیک - ایالات متحده

ماریا النا تنها سیزده سال داشت، وقتی که یک آشنای خانوادگی به او گفت که با پیشخدمتی در رستوران های آمریکایی می تواند ده برابر مبلغی که در روستای کوچکش درآمد داشته باشد. او و تعدادی از دختران دیگر با ماشین از مرز عبور داده شدند و سپس باقی راه را پیاده پیمودند. آنها چهار شبانه روز را از میان بیابان گذشتند از تگزاس عبور کردند و سپس مسیر شرق را به سمت فلوریدا برگرفتند.

در نهایت ماریا النا و باقی دختران به مقصد، به کاراوان از کارافتاده ای که در آن مجبور به تن فروشی بودند رسیدند. به ماریا النا تجاوز گروهی شد. سپس در همان کاراوان زندانی و تا هنگامی که رضایت داد هرچه به او می گویند انجام دهد. او بیست و چهار ساعته تحت مراقبت بود و مجبور به سکس با حدود سی مرد در روز بود. وقتی فهمیدند که باردار شده او را وادار به سقط جنین کردند. سپس روز بعد، برای کار فرستاده شد و بالاخره ماریا النا وقتی از چنگال قاچاقیانش رهایی یافت که همراه آنها دستگیر شده بود.

بنگلادش - لبنان

امینا خانه اش را در بنگلادش را به قصد خدمت کاری در لبنان ترک کرد. علی رغم وعده های مزایای کاری، به چنگال کارفرمای سوء استفاده گری گرفتار آمد. او به مدت سه ماه مورد شکنجه و تعرض قرار گرفته و در خانه محبوس شد. امینا بعدها گفت: "به ندرت به من غذا داده می شد."

"در حالیکه تنها در یک اتاق زندانی بودم حتی نمی دانستم که لبنان چه شکلی می تواند باشد. "امینا موفق به فرار شد و توانست با هزینه آژانس کاریابی که او را به خارج فرستاده بود به وطنش بازگردد. او هنوز از چشم درد ناشی از جراحات وارده توسط کارفرمایش رنج می برد، اما چون دلالتی که به او وعده کار داده بود گذرنامه و قرداد کاریش را ضبط کرده است، او نمی تواند از او در مراجع قانونی شکایت کرده یا خسارت یا بگیرد.

هند

گایان، پسر بچه ای پانزده ساله از مدرسه ترک تحصیل کرده بود که یک دلال به او وعده کاری خوب در ناحیه "جارسوگودا" را داد. در عوض او به همراه پسر های دیگر در کارخانه ای زندانی و به بیگاری گرفته شدند، با غذای بسیار کمی که به آنان داده می شد، به شدت مورد ضرب و شتم قرار می گرفتند، با سیگار سوزاننده و بدنشان را داغ می کردند و اجازه خواب شبانه نداشتند، مگر برای ساعات اندکی. والدینش پس از یک سال که او دیگر به خانه بازگشته بود فهمیدند بر گایان چه گذشته است. آنها گفتند: "تازه می فهمیم که چگونه با او رفتار می شده... صاحبکارانش همیشه هنگام مکالمه تلفنی گایان با ما، حضور داشتند. "وقتی والدین گایان به مقامات شکایت کردند سه نفر از قاچاقچیان مربوطه دستگیر شدند. پلیس دست به تلاش برای نجات باقی پسرانی که در همان مکان به کار اجباری و اسارت بدهی

بودند زد.

رومانی - انگلستان

یوتا تنها هفت سال داشت هنگامی که از رومانی به انگلستان فرستاده شد تا به عنوان خدمت کار خانه مشغول به کار شود. خانواداش تصور می کردند با این کار فرزندشان را از فقر دور نگه می دارند، اما زوج رومانیایی که یوتا به استخدامشان درآمده بود، او را مورد آزار و اذیت فیزیکی و روحی قرار می دادند و او را مجبور کرده بودند که روی زمین بخوابد. این زوج قربانی دیگری نیز داشتند، رضوان یک مرد رومانیایی پنجاه و سه ساله که به بردگی گرفته شده و مورد تجاوز قرار گرفته شده بود. رضوان پس از آنکه به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود و دیدن نحوه ای که با یوتا رفتار می شد، فرار کرد و تخلفات آن خانواده را به پلیس گزارش کرد. وقتی پلیس یوتا را نجات داد او لباس بسیار کثیفی به تن داشت و سرش پر زخم بود و دندان هایش به قدری پوسیده بودند که مجبور به کشیدنشان شد. او هرگز به مدرسه فرستاده نشده بود و نمی توانست حتی به زبان مادری خودش تا ده بشمرد. زوج رومانیایی، به جرم قاچاق انسانی مجرم شناخته شدند و به تحمل حبس تا چهارده سال محکوم شدند.

مترجم: مینا فخرآور

منبع: <http://goo.gl/nSH68x>